

لغات مهم درس هفتم پایه هفتم

و آداب نیسان

- عارف: خداشناس - زاهد: عابد / مريدان: شاگردان / طلب کردن: خواستن /
- ارشاد کردن: هدایت کردن به راه درست / باری: به هدایت - در هر صورت /
- بسم الله: به نام خدا / مرشد: راهنما - پیر / خلق: مردم / طعام: غذا /
- یاسنج: ای راهنما - ای بزرگ / پی: راه - پشت سر او / روان شد: به راه افتاد /
- ویرانه: خرابه / به قدر: به اندازه / مستمعان: شنودگان / برخاست: بلند شد /
- آداب: راه درویش / سنت: دعوی: ادعا کردن / معترف: اعتراف /
- فرع: شاخه ای غیر از اصل - هر چیزی غیر از اصل موضوع / اصل: ریشه - جوهره -
- ذات / نیت: باطن - قصد - مراد / بغض: کینه - دشمنی / کینه: تنفر - بغض /
- حد: بدخواهی - آرزوی نابودی نعت برای دیگران / ذکر حق: یاد خدا /

صفحه ۲: ۵۳

رسانه: سرفتنی که حاصل شود - نتیجه / پیوسته: همواره - همیشه /

فرست: زندگی - حیات / دگرگون: متفاوت / به پیر آورد: به وجود آورد /

رنج: سختی - مشقت / آسایش: آسایش / بفرزاید: فرزند کند / افزایش دهد /

حرکت: ابزار برای محاسبه در قدیم / جایگاه: کسی که به وسیله اسب نامیده می شود -

نامیده / پیک: نامده / پستی: اسطراب: ابزاری است که برای

اندازه گیری محل و ارتفاع ستارگان و دیگر امور فلکی در قدیم به کار گرفته می شده /

عصر: دوران - روزگار / چیرگی: ^{غالب} تسلط: حیره - غالب /

فناورانه: به روز - وسایل پیچیده ماشینی / تار و پود: بنیان - پایه و اساس -

و تار به معنای نخی که در درازای فرش است و پود به معنای نخی که در پهنای پارچه

و فرش باشد / هنجار: قانون / سنت: آداب - راه و روش / دین و آیین /

دادوستد: خرید و فروش / اعتماد: باور قلبی به چیزی داشتن / حریم: اطراف /

مستطاب: مناسب / معیار: میزان - اندازه / حرمت: احترام - ارزش /

پاس می دارند: احترام می ندارند / چهار: دیوار - محدوده - پناهگاه /

آسب: صبر / آراسته: مزین - مرتب / نهجیه: غیر منطقی غیر معقول /

(داده صفتی بعد)

کوی: انظار / هویت: مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات فردی که بر گرفته از

مکان زندگی و آداب اجتماعی دینی یک فرد باشد / شکوه: بزرگی جلال /

رهاورد: سوغات - هدیه - تحفه - یادبود / تمدن: فرهنگ - شهرت

شدن / رایانه: دستگاهی که می‌تواند برنامه‌ریزی شود تا دستورهای ضمایم و

منطقی را به صورت خودکار انجام دهد / حامی: پشتیبان / سامانه‌ای

جهانی از شبکه‌های رایانه‌ای که برای ارتباط بین شبکه‌ها و دستگاه‌ها استفاده

می‌کند / مظاهر: حامی - پشتیبان - جلوه - نشانه / آفرینش: خالق - سازنده

سمت و سواد اطراف - جانب - کنار / منظره: چشم‌انداز / روح‌انگیز: دل‌انگیز - زیبا

جلوه: ظهور - نمایش / جمال: زیبایی - نیکویی / کمال: بختگی - رشد - پیشرفت

متعالی: عالی - رفیع - والا / یوچی: نیستی - نابودی / غفلت: بی‌خبری -

صداقت - سستی / اسارت: گرفتاری - بردگی / زندانی: جنگ‌زخم: جنگی که در

آن از توجیه و تانک استفاده نشود و نوع جدیدی از نبرد که در حوزه رسانه و اینترنت باشد

برای تقویت اهداف دشمن بی‌میان هوای سرو صدا / غوغا: همهمه - پرسرو صدا

Parsan

ادامه صفحہ ۲۰

بیافریند: خلق کند / کاربردان: استفاده کنندگان عضوها / فضایل: نیکی ها /
 جوانمردی: بخشندگی - سخاوت - مردانگی / ویرانگر: مخرب - خراب کننده /
 بیانگر: بیان کننده - توضیح دهنده / پایبندی: وفای به عهد - ~~عهد~~ تعهد /

بیان

تاریخ ادبیات:

محمد حبیب رودی ← شیخ نجم الدین خضر بن محمد بن علی رازی حبیب رودی
 زاده حبیب روده شهرستان فیروزکوه است که در قرن پنجم زندگی می کرده است.
 از آثار او می توان به کاشف القایق و جامع التمثیل و حقائق العرفان
 اشاره کرد: از تاریخ فوت و تولد ایشان اطلاعات دقیقی در دسترس نیست.
 جامع التمثیل: یکی از معروف ترین کتب فارسی است که سبب آن مانند
 سخن موعظه و اهل منبر است و مولف در تمام کتاب خواسته را بصحت
 کرده است و ویژگی بارز این کتاب به کاربردن مثال های فارسی و عربی در آغاز یا
 میان جملات هاست و از آیات و احادیث بسیار زیاد استفاده شده است.

Parsan

بیان

و خود شناسی

معنی حمایت صد ساله پادشاه

زمانی که پادشاه و وزیر شده بود، هر روز صبح خیلی زود از خواب بیدار می شدند و پادشاه

بر می داشت و تنها وارد خانه می شد و مدتی را آنجا می ماند سپس بیرون می آمد

و به پسر فرمانروای رفت؛ به امیر خبر دادند که وزیر هر روز این کار را انجام می دهد؛

حاکم نگران شد که در آن خانه چه خبر است؟ و روزی حاکم پادشاهان به دنبال وزیر

وارد آن خانه شد و در آن خانه چاله ای دید مانتد چاله ای که پادشاهان دارند، وزیرش را

دید که وارد آن چاله می شود؛ حاکم به وزیر گفت: این چیست؟ وزیر گفت: ای حاکم

این همه خوشبختی که من دارم همه بخاطر لطف حاکم است، من آغاز کار خود را

از یاد نبرده ام که یک پادشاه بودم، من هر روز زندگی گذشته خود را مرور می کنم

تا چهار استباه نشوم، و مغرور نشوم؛ حاکم آنقدری خود را به وزیر داد و گفت:

تا حالا وزیر بودی اما حالا بیعت حاکم شدن را داری. **کلمات مهم**

جولاهه: پادشاه / پادشاه: صبح خیلی زود / ساعتی: مدت کوتاه / امیر: فرمانروا / حاکم:

نظاره: نگاه / از پس: به دنبال / دولت: خوشبختی

کلمات

Parsan

تاریخ ادبیات

محمد بن منصور ← محمد بن منصور بن ابوسعید بن ابیطاهر بن ابوسعید ابوالخدیج

نواده عارف مشهور ابوسعید ابوالخدیج از فارسی نویسن بزرگ قرن ششم

همبری است وی مولف کتاب اسرار التوحید فی مقامات السبع ابی سعید

ابوالخدیجی باشد از ~~تاریخ~~ تاریخ دقیق تولد و وفات ایشان اطلاعی دقیق

در دسترس نیست؛ اما کتاب اسرار التوحید را در سال ۳۵۹ تا ۳۵۹ هجری

تالیف کرده است که با تشریفاتی بسیار جالب و جذاب از شرح جمع را هفتاد و یک

در شرح حال جد خود ابوسعید در سه باب نوشته است.

معنی لغات درس هفتم و هشتم

و آگاهی

دلالت: لباس رسمی در فقیران می پوشند / درست: زیاده خشن / فرازنده: بلند کننده

نوازشنده: نوازشگر / نثرند: اندوهگین / افروز: چرخ بلند آسمان

جیب: رِقعه / ~~عزت~~ / از جیب می آید: ثنا: شکر، سپاس / عطا: بخشش

ادامه ایفای بحث ←

سختن: سوراخ کردن / سایدن: بندار: اندیشه خیال / رخس: امب /

خوش: خرف: کم عقل / خموش: ساکت باش / زیر: سان: اینگونه /

گام: قدم / دولت: خوشبختی / خواری: ذلت / پستی: بستر: جا خواب /

چاشت: ناهار - غذای ظهر / خس: شش: ست و بی ارزش /

افتادی: فروتنی / آزادی: رهایی / عزة: ارجمندی - عزیز شدن /

معنی ابیات درسی هشتم پایه هشتم

و آزادی

بیت ۱ - پیر مرد خارشش با لباس پشمین، تعداد زیادی خار بر پشتش

نداشته بود و عمل می کرد

بیت ۲ - نگذشتان راه می رفت و هر قدمی که بر می داشت، خدا را شکر

می گفت

بیت ۳ - که ای بلندگشته آسمان و ای نواز شکر دل ها غمناک و افروز

بیت ۴ ← وقتی از سر تا پای خود را نگاه می‌کنم، می‌بینم که همه نوع

بزرگواری را در حقم کرده‌ای

بیت ۵ ← در خوشبختی را به روم باز کردی و بزرگی را مانند تاج بر سر من

گذاشتی (به من بزرگی ندادی)

بیت ۶ ← من در حدی نیستم که بتوانم تو را به خوبی ستایش کنم و از عسده

شکر نزاری نعمت‌های تو بپرسم

بیت ۷ ← فوج جوانی که به جوانی خود می‌مغرور بود، در حالی که اسب غرور را

می‌رانند به سیر مرد نزدیک شد

بیت ۸ ← شکر نزاری سیر مرد به لوس جوان رسید و گفت: ای سیر مرد نادان

سکت بائی

بیت ۹ ← خار بر ~~پیشانی~~ دست گذاشته‌ای و اینگونه به سختی راه می‌روی.

خوشبختی امت چیست؟ و عزیزی‌ات که ام است؟

بیت ۱۰ - تفاوت بین بزرگی و ذلت و خواری را این دانی و عجز را در خانه نشی

از دست داده ای

بیت ۱۱ - سر مرد گفت: چه غرضی بالاتر از اینکه جای خوابم را کن خانه تو

بچه نمیشم

بیت ۱۲ - که ای غلامی به من شام یا شام بده و یا نان و آبی بده که بخورم

و بیایم هم

بیت ۱۳ - خدا را شکر می گویم که مرا زلیل و خوار شناخت و مرا به شرفی بست

مثل تو گرفتار و نیازمند نکرد

بیت ۱۴ - خداوند با تمام فقر و ناتوانی که دارم به من سر بلندی و آزار بدید و

بی نیازی بخشید

پایان

موفق باشی

تاریخ ادبیات

عبدالرحمن جامی ← نورالدین عبدالرحمن بن احمد بن محمد جامی معروف

به جامی و ملقب به خاتم الشعراء، همچنین دانا، شاعر، موسیقی دان و

ادیب نام دار فارسی زبان قرن پنجم هجری است که در ۲۳ شعبان ۸۱۷ هـ

در تربت جام خراسان متولد شد وی با انعام رفتن از طایفه نرگس کی

از مهم ترین کتاب های خود یعنی بهارستان را نوشت ایشان ده ها

کتاب و رساله به نظم و نثر به زبان های فارسی و عربی دارد که به چند نمونه از

آن اشاره می کنیم: ۱- دیوان های سه جلدی ۲- هفت افروز ۳- بهارستان
(هفت مشنری)

۴- دیوان بی غلط ۵- نواهد النبوه ۶- نفحات الانس
(اشعار بدون نقطه)

ایشان بزرگوار عمر خویش را به خاطر خانواده خویش در شهرات افغانستان

گذراند و تحفیات عالی خود را در مدرسه نظامیه هرات به پایان رساند

سرانجام ایشان در ۱۷ محرم ۸۹۸ در سن ۸۱ سالگی دار فانی را وداع

گفت و در عتبات مزار شورا افغانستان به خاک سپرده شد (صوفی مسجد)
(اسلام تقوی)

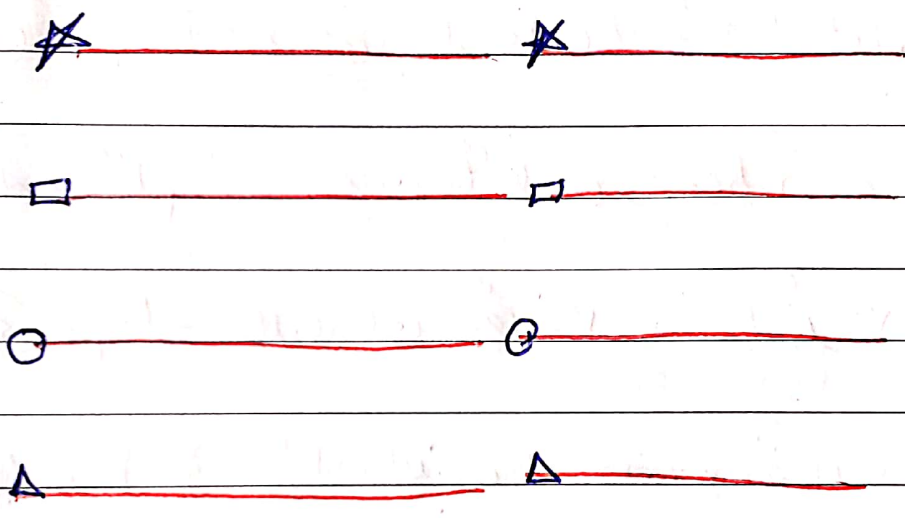
دستور زبان درس هشتم پایه هشتم

قالب شعری مثنوی یا دوایی: قالب شعری است که هر بیت

حافظه ای جداگانه دارد. شعرهایی که در قالب مثنوی سروده می شوند

معمولاً بلند و طولانی هستند

نماد قالب دوایی:



مهم ترین مثنوی ها فارسی ← شاهنما فردوسی، بوستان سعدی،

مثنوی مولوی، لیلی و مجنون نظامی

مثال: زین گفته سعادت تو جوم / رس یاد بید هر چه گویم

می باشی به عهد خود خنجر / از خواب بگردان بیدار

با مادر خوشی و هر سال باک ^{Parson} / آماده خورشید به جان باش

هر بیت، حافظه ای جداگانه ای دارد

زبان

دستور زبان درس هفتم پایه هشتم

گروه اسمی

هسته ← در هر گروه اسمی، اولین کلمه هسته است ملکه آنند و وابسته باشند.
یا کلمه‌ای که کل جمله حول محور او بچرخد یا اسمی که واژه‌های یا بخش‌های دیگر
جمله به آن اضافه می‌شود

نکته: گروه اسمی دارای وابسته‌های پیش و پس است که در زبان‌های بعد
به آن است بر می‌نشیند
به مثال‌های زیر توجه کنید

* این دفتر زیبا

← کل جمله در مورد دفتر صحبت می‌کند پس دفتر **هسته** است

* همه دانش‌آموزان **هسته**

* این مقاله خوب **هسته**

* این گل خوشگویی زیبا **هسته**

* دفتر هفتم کتابخانه **هسته**

ادامه صفحه بعد ← **هسته**

چند نکته مهم

نکته ۱ - گروه اسمی می تواند نقش نهاد، مفعول، مسند، متمم داشته باشد

ما تشر - دانش آموز، باهوش است
نهاد مسند مفعول نهادی

نکته ۲ - هسته معمولاً اولی است که در جمله، نشانه گروه (=)

می شود ما تشر - لباسی بلند
هسته

نکته ۳ - اگر در یک گروه اسمی، هیچ یک از کلمات صیغه گروه نداشته،

آخرین کلمه هسته است ما تشر - همین شهر
هسته

نکته ۴ - یک کلمه (علاسم) به تنهایی می تواند گروه اسمی باشد

ما تشر - علاسی
هسته

پایان